دختران قهرمان گمنام

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: عطیه عسگری: با اینکه طی سال‌های اخیر در مقاطع مختلف و به‌ویژه در جشنواره عمار، فعالیت‌هایی برای معرفی زنان و دختران قهرمان صورت گرفته، برای مثال مستندهایی با محوریت کتاب‌های خاطرات مذکور از زندگی دختران شهید انقلاب اسلامی ساخته و خوانش‌های این کتاب‌ها در تلویزیون پخش شده، اما بازهم نمی‌توان به‌جرأت گفت که الگویی مناسب، جذاب و مؤثر به دختران نوجوان امروز ارائه داده‌ایم.

نوجوانی به‌عنوان برهه‌ای حساس و مهم در زندگی هر انسانی مورد توجه بوده؛ هم از دید روانشناسی غربی و هم از دید اسلام، دوره نوجوانی نیازمند تربیتی ویژه است. پیش‌تر از ۱۲ سالگی تا ۱۸ سالگی نوجوانی تلقی می‌شد، اما سال‌هاست که تعریف جهانی نوجوانی تغییر کرده است و ۱۰ سالگی تا ۲۴ سالگی سن نوجوانی شناخته می‌شود؛ امروزه با تغییر سبک زندگی، گسترش فضای مجازی و افزایش هوش هیجانی، ارزش‌های نوجوانی هم دست‌خوش تغییر شده، اما ویژگی‌های دوره نوجوانی هنوز ثابت مانده است.

نوجوان‌ها هنوز هم به‌عنوان افرادی که بین کودکی و جوانی معلق مانده‌اند، از طرف جامعه و به‌خصوص خانواده آن‌طور که خودشان انتظار دارند، حمایت نمی‌شوند؛ بنابراین به حضور در محیط‌هایی با حضور دوستان و هم‌سن‌وسالان بیشتر رغبت نشان می‌دهند. هنوز هم نوجوانان، کودکان بزرگ بعضاً مغرور، ساختارشکن، سرکش و حساس هستند که معتقدند کمتر کسی درکشان می‌کند.

بدیهی است که با وجود این شکاف بین والدین و فرزند نوجوان، غیر از مدرسه، معلمان و دوستان، رسانه‌ها و فضای مجازی نیز نقش تأثیرگذاری در زندگی نوجوانان داشته باشند. به نظر می‌رسد جبهه غرب این مسئله را به‌خوبی متوجه شده و درحال تأمین خوراک فکری نوجوانان به روش دلخواه خود است؛ این درحالی بوده که در کشور ما برنامه‌ریزی درستی برای نوجوانان نشده و یا اگر برنامه‌ریزی وجود دارد، آن‌طور که شایسته بوده، به مرحله عمل نرسیده است.

در روزهای گذشته اکران فیلم «منطقه پرواز ممنوع» و «۲۳ نفر» با استقبال زیادی از سمت مردم مواجه شد، خیل عظیمی از اهالی فرهنگ و رسانه کشور از معرفی الگوهای ارائه‌شده توسط این فیلم‌ها برای نوجوانان پسر ابراز خوشحالی و بار دیگر بر جای خالی الگوی مناسب برای دختران نوجوان تأکید کردند.

هر دو فیلم مذکور براساس خاطرات دفاع مقدس و شهدای جنگ سوریه ساخته شده است. منطقه پرواز ممنوع با الهام از شخصیت مصطفی صدرزاده و کارهای تربیتی فرهنگی که او در زمان حیات برای نوجوانان انجام می‌داد، ساخته شده است و درواقع مصطفای منطقه پرواز ممنوع همان مصطفای شهید فرمانده فاطمیون است. فیلم ۲۳ نفر هم به کمک خاطرات شفاهی نوجوانان اسیر در جنگ تحمیلی و کتاب خاطرات آن‌ها با عنوان «آن ۲۳ نفر» فیلم شده؛ ۲۳ نفر یک فیلم حال خوب‌کن، جذاب و پُرکشش است که در عین غرور و افتخار، موقعیت‌های کمدی و خنده‌دار، اشک و بغض هم دارد.

درحالی که حدود ۳۰ سال از دانشگاه آدم‌سازی دفاع مقدس می‌گذرد، اما قهرمان‌های جنگ از پس سال‌ها فاصله زمانی توانسته‌اند با نسل نوجوان امروز ارتباط برقرار کنند؛ به نظر می‌رسد باید به نقش بی‌بدیل دختران نوجوان در عرصه جنگ تحمیلی هم توجه ویژه‌ای شود.

با وجود کتاب‌های خاطراتی که به نقش زنان در دفاع مقدس پرداخته‌اند و با اینکه در سال‌های اخیر چند فیلم و مستند درخصوص نقش مادران و همسران شهدا ساخته شده، اما هنوز هم نقش دختران در پشت جبهه و متن دفاع مقدس مغفول مانده است.

در کافه‌کتاب این‌هفته به سراغ کتاب‌هایی رفته‌ایم تا دخترانی که ظرفیت الگو شدن برای نوجوانان امروز را دارند، بازشناسیم.

من میترا نیستم

کتاب من میترا نیستم خاطرات شهیده زینب کمایی است که در چاپ‌های قبل با نام راز درخت کاج به فروش می‌رسید. این کتاب به قلم معصومه رامهرمزی، دختری را معرفی می‌کند که نام زینب را برای خود برگزید و از همه خواست به‌جای میترا او را زینب صدا کنند. در این کتاب خاطرات دختری را می‌خوانیم که اهل مراقبه بود و با حضور در فعالیت‌های فرهنگی سیاسی، خار چشم دشمنان انقلاب شد و درنهایت به دست منافقین در سن ۱۴ سالگی به طرز فجیعی به شهادت رسید.

در کتاب من میترا نیستم خاطرات از زبان مادر، خواهران و مدیر مدرسه زینب نقل شده است. متن کتاب با تمام زیبایی، نمی‌تواند برای نوجوانان پُرکشش باشد و شهادت دل‌خراش قهرمان کتاب می‌تواند اثر نه‌چندان مطلوبی بر نوجوانان که بسیار حساس هستند، بگذارد و وجه قهرمانی او را در ذهن نوجوانان به حاشیه ببرد.

من زنده‌ام

این کتاب که بی‌شک از بهترین کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس است، خاطره اسارت معصومه آباد، نیروی ۱۷ ساله هلال‌احمر که مسئولیت یک یتیم‌خانه را برعهده داشته، روایت می‌کند. معصومه آباد با شروع حمله‌های دشمن بچه‌های یتیم‌خانه را به شیراز منتقل می‌کند و در راه برگشت از شیراز به آبادان، به اسارت دشمن بعثی درمی‌آید. او همراه سه دختر دیگر حدود چهار سال را در زندان‌های عراق می‌گذراند که دو سال بدون اینکه نامش در فهرست صلیب سرخ آمده باشد، به‌سختی سپری می‌شود. لحظه‌لحظه مطالعه این کتاب حس افتخار آمیخته به غم در وجود خواننده برانگیخته می‌شود و معصومه آباد می‌تواند الگوی مناسبی برای دختران نوجوان این‌روزها باشد. تنها مشکلی که وجود دارد، اینکه ممکن است نوجوان به‌لحاظ تفاوت زیاد موقعیتی نتواند آن‌طور که شایسته بوده، با نویسنده و راوی کتاب ارتباط برقرار کند و این مسئله تأثیرگذاری را کاهش می‌دهد.

دا

قطعاً یکی از باشکوه‌ترین و درعین‌حال مظلومانه‌ترین صحنه‌های دفاع مقدس که در کتاب دا به تصویر کشیده می‌شود، حتماً ارزش یک‌بار خواندن را دارد. کتاب دا خاطرات سیده‌زهرا حسینی، دختری ۱۷ ساله ساکن خرمشهر، از روزهای اولیه جنگ را روایت می‌کند که توسط اعظم حسینی نوشته شده است؛ گردباد حوادث در روزهای آغازین جنگ، پای سیده‌زهرا حسینی را به قبرستان جنت‌آباد خرمشهر می‌کشاند و او به کار شستن مرده‌ها مشغول می‌شود. اتفاقات و حوادث از او سیده‌زهرایی دیگر می‌سازد تا جایی که روزی جنازه پدرش را خودش در قبر می‌گذارد؛ توصیفات جزئی و غم‌انگیز راوی به اینجا ختم نمی‌شود، او چندروز بعد وقتی در غسالخانه مشغول شستن پیکر شهدا بوده، با جنازه برادرش روبه‌رو می‌شود و بازهم خودش برادرش را کنار پدر خاک می‌کند. اما قضیه شهادت برادر را تا مدت‌ها از مادرش مخفی می‌کند، بعدها به امدادگری مشغول می‌شود، اما تصرف خرمشهر او را مجبور به ترک این شهر می‌کند. در این کتاب صحنه‌های به غایت افتخارآمیز روایت شده است که توان روحی بالای راوی را نشان می‌دهد، اما شاید تحمل این خاطرات سنگین و غم‌انگیز برای نوجوانان ممکن نباشد و اشاره کتاب به صحنه‌های غم‌بار و وحشتناک روزهای ابتدایی جنگ او را به‌جای علاقه‌مندی، دل‌زده کند.

راض بابا

کتاب کم‌حجم راض بابا، روایت زندگی شهیده راضیه کشاورز است که در انفجار سال ۱۳۸۷ در حسینیه کانون رهپویان وصال شیراز در سن ۱۶ سالگی مجروح می‌شود و بعد به شهادت می‌رسد. این کتاب به قلم طاهره کوهکن نوشته شده که بسیار جذاب است و راضیه با آرزوی جراح قلب شدن، پُرقدرت وارد رشته تجربی می‌شود. راضیه دختری است نوجوان که سعی می‌کند در دین، اخلاق، درس و کل زندگی اول باشد؛ به‌لحاظ نزدیکی زمانی، راضیه می‌تواند الگوی بسیار مناسبی برای دختر نوجوان امروز باشد.

با اینکه طی سال‌های اخیر در مقاطع مختلف و به‌ویژه در جشنواره عمار، فعالیت‌هایی برای معرفی زنان و دختران قهرمان صورت گرفته، برای مثال مستندهایی با محوریت کتاب‌های خاطرات مذکور از زندگی دختران شهید انقلاب اسلامی ساخته و خوانش‌های این کتاب‌ها در تلویزیون پخش شده، اما بازهم نمی‌توان به‌جرأت گفت که الگویی مناسب، جذاب و مؤثر به دختران نوجوان امروز ارائه داده‌ایم.

به‌دلیل حساسیت بالای دختران نوجوان و روایت‌های پُردرد این کتاب‌ها، شاید بهتر باشد دست‌اندرکاران فرهنگی این روایت‌ها را متناسب با ذائقه نوجوانان در قالب فیلم ارائه دهند.

شاید اشتباه نباشد اگر بگوییم بیشتر تصویری که دختران نوجوان از دختران و زنان جنگ تحمیلی دارند در انتظار، مدارا و رنج کشیدن خلاصه می‌شود و ما کم‌تر توانسته‌ایم افتخار را با هیجان به خورد دختر نوجوان امروز بدهیم.

واقعیت این است که چاپ کتاب‌هایی با جلد گل‌گلی نمی‌تواند دختران نوجوان را ترغیب کند که از الگوهای غربی محبوبشان دست بکشند و به الگوهای ارائه‌شده در کتاب‌ها قناعت کنند.

این الگوهای خوب باید به اندازه کافی جذاب شوند تا نوجوانان دختر کشورمان بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و شاید هیچ ساختاری به اندازه فیلم و سریال در این امر مؤثر نباشد.

حمید حسام:

سردار همدانی نام خانوادگی فرزندانش را تغییر داده بود

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: حمید حسام در مراسم رونمایی از کتاب جدید خود گفت: سردار همدانی نام خانوادگی فرزندان خود را تغییر داده بود و تا روز شهادت ایشان، همکاران فرزندش نمی‌دانستند که او فرزند شهید همدانی است.

نشست بررسی ساختار و تدوین کتب خاطرات شهدای مدافع حرم با محوریت کتاب «خداحافظ سالار» و مراسم رونمایی از کتاب «هفتادودومین غواص» جدیدترین اثر حمید حسام، با حضور این نویسنده و جمعی از علاقه‌مندان به ادبیات انقلاب و دفاع مقدس عصر یکشنبه هشتم دی‌ماه در کتاب‌فروشی به‌نشر در شهر مشهد برگزار شد.

ابتدا دبیر این نشست با ذکر تاریخچه‌ای از فعالیت‌های حمید حسام در حوزه ادبیات دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم، گفت: حمید حسام کارشناس ادبیات فارسی دانشگاه تهران، حضور فعالی در هشت سال دفاع مقدس داشته و معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و تألیف ۱۴ عنوان کتاب در حوزه ادبیات دفاع مقدس همچون «وقتی مهتاب گم شد»، «فقط غلام‌حسین باش»، «غواص‌ها بوی نعنا می‌دهند» و غیره این جانباز دفاع مقدس را به شخصیتی تبدیل کرده که در حوزه نویسندگی و ورود به تاریخ شفاهی ادبیات دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و حوزه مدیریت فرهنگی، عملکرد شاخصی داشته باشد.

محمد خسروی‌راد افزود: پرداخت به تاریخ شفاهی دفاع مقدس به‌طور جدی پس از پایان جنگ از حدود سال ۶۸ آغاز شد. نگاه اولیه بر مبنای ثبت آثار بود که این خاطرات از میان نرود، بنابراین در آن زمان بخشی از قصه‌نویسان کشور تاریخ را با جذابیت‌های عناصر داستانی درآمیختند و از این محصول کاری را تولید کردند که برای مخاطب عام جذاب باشد. به همین دلیل از همان ابتدا در مرکزیت این ایده دو گروه شدند؛ عده‌ای که برای جذاب شدن اثر به دخل و تصرف در آن می‌پرداختند و متهم بودند که بخشی از تاریخ را دست‌کاری می‌کنند و عده‌ای که دنبال تاریخ صرف بودند.

تا اینکه سال‌ها گذشت و ما با نوع دیگری از ادبیات شفاهی دفاع مقدس بر مبنای خاطره‌نویسی که به دست مخاطب عام برسد و پُرتیراژ شود، مواجه شدیم که نه داستان بود، نه خاطره و نه تاریخ صرف و ثبت وقایع، بلکه برگرفته از واقعیت و ماجرای مستند بود که با استفاده از عناصر داستانی و بر مبنای توانمندی‌های قصه‌نویسی نگارش می‌شد و در همین زمان کتاب‌های پُرفروشی تولید شدند؛ «خداحافظ سالار» نیز از همان دسته توانمندی‌های یک نویسنده برای جذاب شدن اثر بود، اگرچه مبنای آن مستند است.

«خداحافظ سالار»؛ بسامد اربعینی زندگی سردار شهید همدانی با نگاهی زینبی

در ادامه این نشست حمید حسام گفت: پیوند بین داستان نه به معنای محض خاطره شفاهی و نه به معنای تاریخ خشک است، بلکه پیوند بین آن‌ها، دو تراز برای اقامه می‌شود؛ بنابراین از این جهت نویسنده خود را در معرضی قرار می‌دهد که برای این دو نحله و این دو نظر، باید آمادگی داشته باشد. کسانی که از سمت داستان به حوزه تاریخ وارد می‌شوند، ترجیح می‌دهند از عناصر زیبایی‌شناسی که در ماهیت و روایت نهفته، نگذرند. از این جهت باید ساعت‌ها مصاحبه‌ها را خواند و در ذهن مرور کرد. مثلاً باید دید تعلیق در این متن کجاست و اگر ندارد، آیا من اجازه دارم در آن تعلیق ایجاد کنم؛ بنابراین کار راحتی نیست و نویسنده هم باید تاریخ دقیق ارائه کند و مانند محقق نکته‌سنج حقیقت‌یاب واقعیت‌های تاریخ شفاهی را پیدا کرده باشد.

از این جهت اعتقاد دارم یک مدون باید قبل از آن، یک محقق باشد و از بین گفته‌های متفاوت، گاه متعارض و متقابل، حقیقت را پیدا کند؛ اما در بخش داستانی از عناصری استفاده کند که صدای راوی شنیده شود و نه قلم نویسنده، بنابراین این کار به نظرم نقطه خاص و شمشیر دولبه است. وقتی دوره ۴۰ ساله زندگی سردار شهید همدانی را نقل می‌کنیم، یک عدد در ذهن من محقق می‌آید و این ۴۰، یک اربعین است که آن را من نساخته‌ام، بلکه حقیقت زندگی ایشان است. آشنایی من با قصه زندگی این شهید والامقام نه بر مبنای ۳۰ ساعت مصاحبه، بلکه حاصل ۳۶ سال مصاحبت با این شهید بوده که این بسامد زندگی ایشان یک نگاه پیام‌رسانی و زینبی است.

وی با بیان اینکه سردار همدانی در اوج گمنامی می‌زیسته، افزود: من درتلاش بودم از رهگذر داده‌ها و راویان این نکات را پیدا کنم و در زنجیره تدوین قرار دهم و عملاً یک بسامد اربعینی در قصه زندگی ایشان درمی‌آید. هنر کسی که تاریخ شفاهی کار می‌کند این است که تلاش کند از ذات روایت، قصه پیدا کند. کار به زمان زیادی احتیاج دارد، زیرا سوژه در یک لوکیشن خاص و محدود انتخاب می‌شود، اما نویسنده دو خط موازی باید داشته باشد؛ یک خط برای زندگی همسر در پشت جبهه از دفاع مقدس تا سوریه اتفاق می‌افتد و یک خط برای قهرمان قصه یعنی سردار شهید همدانی است و این‌ها باید در روایت همسر دوخته شود. زیرا خاطرات شفاهی اول شخص کار می‌کنیم و اگر می‌خواهیم مخاطب دچار انقطاع زمانی نشود، باید همراه با تفکر، تحقیق و ارتباط و آشنایی باشد.

نویسنده کتاب «غواص‌ها بوی نعنا می‌دهند» در ادامه گفت: تلاش کردم در این اثر به خیلی از سؤالات پاسخ داده شود، اما به شکل غیر مستقیم و در حدی که امکان‌پذیر بود. من با سردار همدانی زندگی کرده‌ام و ایشان اعتقاد داشت باید ناگفته‌ها بیان شود و بهترین کار این بود که شخصیت او را از زبان همسرش بشناسیم؛ بنابراین بخشی از این اثر گزارش است که برای بیان اطلاعات به مخاطب داده شده و باید گفته می‌شد.

سردار همدانی نام خانوادگی فرزندانش را تغییر داده بود

حسام در بخشی از سخنانش گفت: سردار همدانی نام خانوادگی فرزندان خود را تغییر داده بود و تا روز شهادت ایشان، همکاران فرزندش نمی‌دانستند او فرزند شهید همدانی است. این شهید بزرگوار معتقد بود که هیچ‌کس در جامعه نباید بداند که شما فرزند من هستید تا به‌خاطر من برای شما تبعیض قائل شود؛ بنابراین برخی روایت‌هایی که در «خداحافظ سالار» بیان شده، نباید حمل بر تفاوت و تمایز باشد. سعی کردم از لحن تکراری استفاده نکنم، اما بخش‌هایی همانند رسالت زینبی بودن در صحبت‌های همسر شهید است و من مقید و ملزم هستم این واژه‌ها را به‌کار ببرم، چون پیام بزرگی دارد. بحث دیگر تاریخ و اطلاعات است؛ سردار همدانی میان مسلحان و داعش تمایز قائل بودند، درست مانند افرادی که در شرایط امروز منتقد و معترض هستند، اما برانداز نیستند؛ آنجا هم عده‌ای که ناراحت بودند، مسلح شدند، بنابراین بسیار دقت شد که داده‌های دقیق تاریخی ارائه شود و مرزبندی براساس واقعیت‌های موجود در سوریه بیان شده بود.

نویسنده کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» گفت: «خداحافظ سالار» قصه عشق زمینی است که پایان آن آسمانی می‌شود، این کتاب پیوند حماسه و عشق است؛ اعتقاد دارم تا زمانی که همسر می‌نشیند و دست به قلم می‌برد، اثر کاملاً ریتم داستانی دارد و از زمان بازگشت از سوریه درواقع مختصات داستانی خیلی بیشتر شده و گزارشی ارائه شده است، بنابراین علت طولانی شدن به‌دلیل حجم زمان و اتفاقاتی همچون سال ۸۸ بود که ناگزیر بودم به آن‌ها اشاره کنم؛ این شکل گزارشی بودن را می‌پذیرم و اگر بخش‌هایی از آن حذف شود، خوش‌خوان‌تر می‌شود. اگر این مدل را در تدوین انتخاب کنیم، باید به دو مورد متعهد باشیم؛ یک راست بگوییم و درعین‌حال تلاش کنیم از ادبیات و مختصات داستانی کمک بگیریم.

همانند تعبیر مقام معظم رهبری در یکی از تقریظ‌ها که فرموده بودند: «شما به کلمات راوی جان دادید»، این هنر نویسنده است که صحبت راوی را در موقعیت مناسب به‌کار ببرد؛ نویسنده‌ها در تدوین این کارها به چند دسته تقسیم می‌شوند، ممکن است به آن‌ها مطالبی داده شود که کار تحقیقی می‌شود و میزان توفیق نویسنده نسبی است، مورد بعد نویسنده سوژه را می‌شناسد و به جهت شناخت از کنش‌ها و نوع اندیشه میزان توفیق از دسته نخست بیشتر است، اما در مورد سوم نویسنده سوژه را زیسته و با آن یکی شده، بنابراین این نوع ادبیات برای عده‌ای مجاز است که به نظرم سوژه را زیسته باشند.

باید سوژه را زیسته باشید

نویسنده کتاب «وقتی مهتاب گم شد» ادامه داد: وقتی سوژه را خوب بشناسید، می‌توانید نقدی به اندیشه‌های او بزنید که اصلاً در نوشته‌ها وجود ندارد؛ گمشده ما بیان مشاهدات نیست و تحول درونی را نمی‌توانید بیان کنید، مگر اینکه سوژه را زیسته باشید. یافتن قصه در روایت بسیار مهم است و در کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» این بسامد سه واژه آب، ابوالفضل (ع) و تشنگی دست به دست هم دادند و کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای شکل گرفت. وقتی عناصر زیبایی که بسامد و کلیدواژه‌های شخصیت در مصاحبه‌های شفاهی هستند را کنار هم بگذاریم، به داستانی تبدیل می‌شود، درحالی که داستان نیست و نام آن را تدوین داستان- خاطره و قصه برگرفته از واقعیت می‌گذارم.

«هفتادودومین غواص» روایت تکمیلی از غواصان کربلای ۴ است

وی در ارتباط با کتاب «هفتادودومین غواص» نیز که در این مراسم رونمایی شد، اظهار کرد: این اثر با موضوع ۷۲ غواص عملیات کربلای چهار برگرفته از روایت محوری و خاطرات جانباز، کریم مطهری فرمانده گردان غواصی جعفر طیار لشکر انصارالحسین (ع) است که توسط انتشارات شهیدکاظمی منتشر شده، این کار از آن جهت مهم است که با حدود ۲۰ نفر از غواصانی که در این عملیات اسیر شده بودند، مصاحبه و تلاش شده روایت‌های پیرامونی و تکمیلی داشته باشد، زیرا پیدا کردن حقیقت بعد از ۳۰ سال بسیار مهم است.

در این برنامه همچنین رضا وحید، از نویسندگان مشهدی گفت: نکته‌ای که در «خداحافظ سالار» به چشم می‌آید، تفاوت بچه‌های لشکر فاطمیون با سردار شهید همدانی بود که به نظر می‌رسد روایت تمایز دارد.

سیدجلال قوامی، از دیگر نویسندگان حاضر در این برنامه نیز بیان کرد: مقدمه کتاب بسیار خوب انتخاب شده و به دل می‌نشست، این کتاب تلفیق زیبایی بود از عشق و لحن حماسی؛ به نظرم برای کسی که روی تاریخ شفاهی کار می‌کند، وفادار بودن به اصل وقایعی که اتفاق افتاده، بسیار مهم است و پرداختن به وقایع زندگی سردار شهید همدانی در طول کار نقطه قوت این اثر محسوب می‌شود. در همین زمینه نویسنده سعی کرده برای خوشایند کسی مطلبی را سانسور نکند که این امر بر جذابیت کار افزوده بود. برخی از کلیشه‌های کار هم اذیت می‌کرد، همچنین تکرار چندین‌باره برخی از جملات و مستقیم‌گویی از ایرادات این اثر محسوب می‌شود.

بتول پادام، از نویسندگان جوان و نوقلم داستان‌نویسی رضوی نیز در این برنامه گفت: «خداحافظ سالار» قدرت قلم نویسنده را نشان می‌دهد، داستانی شسته‌رفته که حس تعلیق را در مخاطب برمی‌انگیزد؛ این چیدمان خیلی با قوت انجام شده و در این اثر دچار پراکنده‌گویی نیستیم؛ این اثر نیز مانند سایر گونه‌های داستانی به سمت گزارشگری رفته است. نگارش درباره انسان‌های مشهور مانند شمشیر دولبه بوده که حساسیت بالایی برای پرداختن به آن وجود دارد.

یکی از فعالان فرهنگی مشهد نیز با بیان اینکه «خداحافظ سالار» تفاوت جدی به‌لحاظ سبک کاری با دیگر آثار خاطرات شهدای مدافع حرم دارد، اظهار کرد: جذابیت این اثر به‌دلیل شخصیت سردار شهید همدانی است، درحالی که کتاب‌های دیگری درباره سرداران شهید نتوانسته‌اند نظر مخاطب را جذب کنند؛ «خداحافظ سالار» اثری است که درباره برخی شبهات درخصوص شهدای مدافع حرم پاسخ می‌دهد و توانسته از فضای کلیشه‌ای دربیاید، هرچند با نقطه مطلوب فاصله دارد و باید به لحاظ حجم سبک‌تر شود، اما اثری خواندنی و جذاب است.

مجید عسگری با خوانش بخشی از این اثر، گفت: در «خداحافظ سالار» شاهد بیان برخی از فن‌ها و تاکتیک‌های رزمی هستیم، همچنان که این کتاب توانست فضای خانوادگی سردار را در فضای واقعی جنگ سوریه بیان کند و از سمت خاطره به سوی داستان رفته است که نقطه قوت این کار است؛ بنابراین اگر به‌لحاظ برخی لغات و حجم اصلاح شود، یک رمان کلاسیک برای فضای جهانی خواهد بود.

بخش پایانی مراسم رونمایی از کتاب «هفتادودومین غواص» و جشن امضای این اثر بود.

خبر

توسط انتشارات علمی؛

رمان «جاودانگان» چاپ شد

داستان آن‌هایی که از روز مرگشان آگاه شدند

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: رمان «جاودانگان» اثر کلوئه بنجامین، نویسنده آمریکایی با ترجمه زهرا حسین‌تبریزی توسط انتشارات علمی راهی بازار کتاب شد.

رمان «جاودانگان» نوشته کلوئه بنجامین، نویسنده آمریکایی به‌تازگی با ترجمه زهرا حسین‌تبریزی توسط انتشارات علمی منتشر و راهی بازار کتاب شده است.

کلوئه بنجامین فقط دو رمان منتشر کرده، اما با همین دو اثر توسط منتقدان و نویسندگان زیادی مورد تقدیر قرار گرفته است. کلوئه اصالتاً اهل سانفرانسیسکو و فارغ‌التحصیل ادبیات از دانشگاه ویسکانسین است؛ رمان «آناتومی رؤیاها»ی او جایزه مهم ادنا فربر را از آن خود کرده، «جاودانگان» تازه‌ترین اثر و محصول سال ۲۰۱۸ این نویسنده است که به‌دلیل داستان جذاب و پُرکشش آن مدت‌ها در صدر پُرفروش‌ترین رمان‌های آمریکا قرار داشت.

این رمان بهترین کتاب ازنظر روزنامه واشنگتن پست و رادیو ان.پی.آر در سال ۲۰۱۸ بود؛ «جاودانگان» به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده و اکنون ترجمه فارسی آن نیز در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

خلاصه داستان رمان «جاودانگان» به این‌ترتیب است:

آگاهی از زمان مرگ چه تأثیری بر روند زندگی شما خواهد گذاشت؟ سال ۱۹۶۹، در یک ساختمان استیجاری مخروبه و کثیف که در حاشیه شرقی و فقیرنشین نیویورک واقع شده بود، زن فالگیر خانه‌به‌دوشی زندگی می‌کرد که مدعی بود می‌تواند تاریخ مرگ افراد را پیش‌بینی کند. چهار فرزند خانواده گُلد برای شنیدن سرنوشت خود مخفیانه از خانه فرار کرده بودند تا زمان مرگ خود را از زبان آن زن کولی بشنوند؛ پیش‌بینی‌های زن فالگیر و آگاهی از روز مرگشان، زندگی هریک را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده بود و این چهار خواهر و برادر باید انتخاب می‌کردند که چگونه به زندگی خود ادامه دهند. اینکه باید با روز مرگشان کنار می‌آمدند، آن را نادیده می‌گرفتند و یا اینکه با مرگ مبارزه می‌کردند؟ و اما در آخر آیا موفق به تغییر سرنوشت و روز مرگ خود می‌شوند؟

این کتاب با ۳۶۹ صفحه و قیمت ۶۵ هزار تومان به چاپ رسیده است.

کشف ۷۵۰ هزار نسخه کتاب تکثیر غیر مجاز در سال ۹۷

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: مدیر نشر ثالث گفت: طی سال گذشته ۷۵۰ هزار جلد کتاب تکثیر غیر مجاز توسط کمیته صیانت از نشر کتاب کشف شد؛ این آمار کم نیست، وزارت ارشاد و قوه قضائیه به‌جد باید این مسئله را مورد توجه قرار دهند.

یکی از موارد مهم مطرح‌شده در جلسه کارگروه کاغذ وزارت ارشاد موضوع کتاب‌سازی و قاچاق کتاب بود که اعضا بر این مهم تأکید کردند که مسئله مذکور در قانون مورد توجه نیست.

سه تن از اعضای کارگروه تخصیص کاغذ دولتی در این نشست یعنی محمدعلی جعفریه مدیر نشر ثالث، احمد کمالی‌نژاد نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مهدی اسماعیلی‌راد دبیر کارگروه بوند که از برخی تخلفات خبر داده و مواردی را هم مستند به اهالی رسانه نشان دادند.

دست ناشرنماها از کاغذ دولتی کوتاه شد

این گروه اعلام کردند، ناشرنماها در سال ۹۷ کاغذ دریافت کرده‌اند و آن را در بازار به قیمت بالاتر فروختند؛ پس دیگر نمی‌توانند کاغذ مطالبه کرده و دریافت کنند.

محمدعلی جعفریه، مدیر نشر ثالث دراین‌باره توضیح داد: طی سال گذشته ۷۵۰ هزار جلد کتاب تکثیر غیر مجاز توسط کمیته صیانت از نشر کتاب کشف شد؛ این آمار کم نیست، وزارت ارشاد و قوه قضائیه به‌جد باید این مسئله را مورد توجه قرار دهند، اما ما در این میان به اطلاع‌رسانی اهالی رسانه هم نیازمندیم. این ارز که به کاغذ تخصیص یافته، با هزار ادله از سوی وزارت ارشاد دریافت شده؛ درواقع این ارزی است که بخشی از آن باید به دارو تعلق می‌گرفت، درست نیست که این ارز در اختیار کسانی قرار گیرد که اقدام به کتاب‌سازی و قاچاق کتاب می‌کنند.

۳۱۳۳۰
سازمان آگهی و بازرگانی